با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

**تأمین آورده مسکن ملی از توان مردم خارج است**

مسکن ملی قرار اســت برای اقشار متوســط به پایین ساخته شود اما برنامه‌ریزی برای تأمین آورده در ساخت این مسکن‌ها متناســب با توان این اقشار نیســت. مثلا در یک نوبت پیامک واریز نخســتین بخش آورده آمد که ۴۰میلیون تومان بود. با فروش طلاهای ازدواج‌مان این رقم تأمین شد به امید اینکه تا رقم بعدی خیلی مانده اما هفته بعد پیامک آمد که ۷۵میلیون دیگر واریز کنید تا به مرحله سقف زنی برسد. درحالی که از اول قرار بود هر۶ماه یک‌بار رقمی واریز کنیم. از سوی دیگر هر روز بر میزان آورده افزوده می‌شود و این رقم که از ابتدا ۲۸۰میلیون تومان بود به حدود ۶۰۰میلیون رسیده است. امسال من از این کار انصراف دادم. ولی این روش برای ساخت مسکن ملی به درد قشر ما نمی‌خورد.

**پناهیان از کرمانشاه**

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

**هزینه‌های نگهداری معلولان کمرشکن شده است**

بازنشسته‌ای دارای یک فرزند معلول هستم که با حقوق ۵میلیون و ۶۰۰هزار تومانی که می‌گیرم از پس تأمین هزینه‌های زندگی عادی‌مان برنمی‌آیم تا چه رســد نیازهای ویژه فرزندم. خرید برخی کالاهای پزشــکی نظیر بریس یا ویلچر یا دستگاه‌های ماســاژ و تشــک برقی و... برای معلولان دیگر نشدنی است و نهایتش به سختی بتوانیم پوشک مورد نیاز آنها را تأمین کنیم. نهادهای حمایتی نیز رقم بســیار ناچیزی برای کمک هزینه می‌دهند و میزان بسیار محدودی اقلام بهداشتی که در سال‌های اخیر بسیار کمتر هم شده است. لطفا فکری برای این قشر بکنید.

**صالحی از تهران**

پیام @ تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

**روایات و احادیث بین برنامه‌های کودکان ارائه شود**

در گذشــته در اثنای برنامه‌های شبکه مشــترک نهال و پویا به‌صورت روزانه و مســتمر حدیث پخش می‌شد که مایه خیر وهدایت بود. اگرامکان دارد دوباره این روند آغاز شود تا نونهالان عزیز ما مستفیض شوند.

**عسگری از تهران**

**جاده قزوین به بوئین زهرا وضعیت مناسبی ندارد**

آسفالت جاده قزوین به بوئین زهرا بسیار نامناسب است؛ از طرفی میزان چراغ‌های روشــنایی این مســیر هم کافی نیست و این موضوع هنگام شب احتمال ایجاد تصادف را افزایش می‌دهد. از مسئولان راهداری تقاضا داریم تا این دو مشکل را رفع کنند.

**قیوم‌زاده از قزوین**

رئیس پلیس آگاهی تهران، جزئیات دستگیری دزدان زمردهای ۹۰میلیاردی و زورگیران خشن را تشریح کرد

# مرد زندانی، طراح سرقت ۹۰میلیاردی

گزارش
**الهه فراهانی**
روزنامه‌نگار

ماموران پلیس آگاهی پایتخت در جریان ۲عملیات جداگانه اعضای یک باند که با شگرد بیهوشی از معاون اتحادیه طلافروشان، ۹۰میلیارد تومان سنگ‌های الماس و زمرد ســرقت کرده و متهمانی که با تهدید قمه مرتکب ۲۰۰فقره زورگیری شــده بودند را دســتگیر کردند. به گزارش همشهری، صبح دیروز سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران از تازه‌ترین عملیات کارآگاهان آگاهی که منجر به دستگیری اعضای ۲باند سرقت شده است، گفت. وی توضیح داد: چندی قبل گزارشی در اختیار همکارانم قرار گرفت که نشان می‌داد ۲مرد جوان، به بهانه خرید ســنگ‌های قیمتــی با مردی جواهرفروش قرار گذاشته و او را به محلی که وانموم می‌کردند دفتر کارشان است دعوت کرده بودند. اما در آنجا با غذای مســموم، جواهر فروش را بیهوش کرده و چمدان همراه او را که ۹۰میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت کرده بودند.

سرهنگ گودرزی افزود: با شکایت مالباخته، گروهی از مأموران اداره پنجم پلیس آگاهی تهران برای شناسایی و دســتگیری دزدان را شروع کردند. آنها با حضور در محل ســرقت که دفتری اجاره‌ای در شرق تهران بود و با بررســی‌های اطلاعاتی و علمی موفق به شناسایی ۲متهم شدند. همچنین در ادامه روند تحقیقات، ابعاد بیشتری از این ماجرا فاش و مشخص شد که سرکرده این گروه در داخل زندان است و با تلفن همراهی که در اختیارش بود، گروه را هدایت می‌کرد. در این شرایط بود که متهم از زندان به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد و همزمان در یک عملیات ویژه، سارقان زمردهای میلیاردی هم دستگیر شدند. سرهنگ گودرزی در ادامه گفت: زمردهای مسروقه در مخفیگاه متهمان کشف شد و اعضای این گروه صراحتا به جرم خود مبنی بر سرقت با شگرد بیهوشی اعتراف کردند.

سرهنگ گودرزی

**پایان راه زورگیران خشن**

رئیس پلیس آگاهی تهران در ادامه از انهدام یک باند زورگیری خشــن خبر داد که متهمان آن با تهدید قمه دســت به ۲۰۰فقره زورگیری زده بودند. وی گفت: اعضای باند دوم که در تازه‌ترین عملیات پلیس آگاهی تهران دستگیر شده‌اند، در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرده‌اند. این باند ۴عضو دارد که سرکرده باند نوجوانی ۱۷ساله است و هم‌اکنون در کانون اصلاح و تربیت زندانی به سر می‌برد و تحقیقات برای شناسایی مالباختگان و تمامی سرقت‌های انجام شده از سوی این باند ادامه دارد. به گفته وی، اعضای این باند با شناسایی طعمه‌هایشان، با استفاده از قمه آنها را تهدید به مرگ کرده و سپس اموالشان را سرقت می‌کردند.

## نوجوان ۱۷ساله، پشت‌پرده زورگیری از ۲۰۰نفر

گفت‌وگو۱

اعضای باندی که با تهدید قمه از طعمه‌هایشان زورگیری می‌کردند ۴نفرند که ۱۷ تا ۱۹ساله‌اند. اما با همین سن کم، جرائم خشنی را رقم زده‌اند که حتما مجازات شدیدی را برایشان در پی خواهد داشت. سرکرده باند نوجوانی ۱۷ساله است و در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برد اما همدستانش که در اداره آگاهی حضور دارنــد در گفت‌وگو با همشــهری از سرقت‌هایشان می‌گویند.

**یک نوجوان ۱۷ساله سردسته شما بود؟**

بزرگ‌ترین عضو باند که ۱۹ساله است پاسخ می‌دهد: اگر او را ببینید باورتان نمی‌شود که ۱۷سال سن دارد. نیما ورزشکار و قوی هیکل است. به او می‌گوییم نیما خطر. چون خیلی نترس و شجاع است. همه بچه‌های محل از او حساب می‌بریم. شاید به خاطر اینکه در حرف زدن تبحر دارد. می‌داند چه کار کند که از او حساب ببرند.

**به همین دلیل شماها فریبش را خوردید؟**

فریب که نه. من خواســتم در مقابلــش کم نیاوریم امــا خــودم را بدبخت کــردم. نیمــا لباس‌های مارک‌دار می‌پوشید، عینک دودی گران‌قیمت می‌زد، گوشی مدل بالا دستش بود. ماهانه ۵تا ۱۰میلیون فقط خرج خوشگذرانی، تفریح، ســفر، رستوران و کافه رفتنش بود. او سابقه سرقت داشت و مدام ما را تحقیر می‌کرد و می‌گفت ما عرضه نداریم. حرف‌های او و شرایط زندگی‌اش وسوســه به جان ما انداخت تا وارد دنیای خلافکاران شویم به این امید که ما هم مانند نیما خطر، زندگی راحتی داشته باشیم اما تصورمان اشتباه بود.

**با چه شگردی سرقت می‌کردید؟**

متهم دیگر که حدود ۱۸سال سن دارد پاسخ می‌دهد: سوار بر ۲موتور می‌شدیم و در سطح شهر می‌چرخیدم. بار اول نیما به ما آموزش داد و از دفعه‌های بعد خودمان حرفه‌ای شدیم. به محض شناسایی سوژه به سمتش هجوم می‌بردیم و با تهدید چاقو و قمه گوشی، طلا و پولش را سرقت می‌کردیم. حتی با تهدید قمه رمز کارت‌های عابربانکشان را هم می‌گرفتیم.

**چند مورد سرقت با این شگرد انجام دادید؟**

هر ۳نفر با هم می‌گویند: ۲۰مورد!

**چطور دستگیر شدید؟**

ابتدا نیما را دستگیر کردند. ماجرا اینطور بود که نیما با ماشینش تصادف کرد و برای شکایت رفته بود کلانتری. در آنجا هم عکس او را به دیوار زده و به‌عنوان دزد، تحت تعقیب پلیس قرار گرفته بود. ظاهرا مالباخته‌ها چهره او را ترسیم کرده بودند چون در بعضی مواقع نیما فراموش می‌کرد مانند ما ماسک بزند. به این ترتیب او در کلانتری دستگیر شد و ما را هم لو داد.

## مرد اعدامی؛ سردسته باند

گفت‌وگو۲

مهران سردسته باند است مجرمی که تمام نقشه‌هایش را در زندان کشــید و با خرید یک خط رند و گران‌قیمت، برنامه‌هایش را پیش برد. او پیش از این به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور بازداشت و به اعدام محکوم شده بود اما بخت با او یار بود و از مجازات مرگ گریخت.

**از اتهامت بگو. اخلال در نظام اقتصادی؟**

اینکه می‌گویید در پرونده‌ام نوشته شده اما قبولش ندارم. من نمایندگی فروش خودرو داشتم و مدتی قبل حدود ۳۰۰خودرو پیش خریــد کردم. بعد از این اتفاق دستگیرم کردند و گفتند خرید این همه ماشــین باعث بر هم زدن نظم بازار شده و اتهامت اخلال در نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شود. این شــد که افتادم زندان و محکوم به اعدام شدم. اما بعد از ۴ســال اعتراض زدم و حکمم تبدیل شد به ۹سال حبس.

**در زندان چطور خط رند خریدی؟**

چون ثروتمندم!

**تو که قبلا آبدارچی شاکی بودی، چه شد که پولدار شدی؟**

زحمت کشیدم.

**مگر چه کار کردی؟**

من لیسانس مهندسی پزشکی دارم. خیلی باهوشم، مخترعم. چند سال قبل یک دستگاه پزشکی اختراع کردم که البته یکی از سازمان‌های پزشکی دستگاه را از من گرفت بی آنکه پولی به من بپردازد.

**نگفتی چه کار کردی که پولدار شدی؟**

گفتم که زحمت کشــیدم. خرید و فروش ماشین کردم. از هوشم استفاده کردم و پولدار شدم.

**خط موبایلت را چند خریده بودی؟**

۱۰۰میلیون تومان!

**برای اجرای این نقشه خریدی؟**

نقشه که نبود من پول داشــتم و برای همین خط رند خریدم.

**اما تو و دوستانت شاکی را بیهوش کرده و زمردهای ۹۰میلیاردی‌اش را سرقت کردید؟**

می دانید ماجرا چه بود؟ من شنیدم که شاکی قصد فروش سنگ‌های قیمتی‌اش را دارد. با او تماس گرفتم اما نگفتم داخل زندان هستم. قرار معامله گذاشتم و میلاد را سر قرار فرستادم. اما پولش را کامل ندادیم. چک داده بودیم که ظاهرا چک‌ها در ســامانه ثبت نشده بود و می‌گویند بلامحل است! ماجرای بیهوش کردن شاکی را هم قبول ندارم. چون شاکی به پولش نرسیده، اینطوری از ما شکایت کرده است.

گفت‌وگو۳

## سارق میلیاردی در نقش جواهرفروش

**۲نفر از سارقان زمردهای میلیاردی در حالی که دستبند به‌دست دارند در سالن اداره آگاهی تهران ایستاده‌اند. یکی از آنها همان مجرمی است که از داخل زندان، گروه را هدایت می‌کرد. شاید باورتان نشود اما او از داخل زندان و با تلفنی که داشت، با شاکی تماس گرفت و آنقدر نقشــش را حرفه‌ای بازی کرد که نه تنها شاکی به وی مشکوک نشد بلکه تصور می‌کرد با یک مشتری در خارج از کشور صحبت می‌کند.**

**چراکه مجرم حرفه‌ای برای اجرای نقشــه‌اش یک خط موبایل رند به قیمــت ۱۰۰میلیون تومان در زنــدان خریده و با همان خط توانست نقشه‌اش را عملی کند. شاکی که یکی از مدیران اتحادیه طلا و جواهر تهران است، حالا و با گذشت چندماه از ماجرا، به اداره آگاهی آمده و با دیدن سارقان که دستگیر شده‌اند نفس راحتی می‌کشد. او درباره جزئیات سرقت به همشهری می‌گوید: همان مردی که از زندان با من تماس گرفته ۸سال قبل آبدارچی من بود. اسمش مهران است و اصلا باورم نمی‌شود که با چرب‌زبانی توانست به راحتی فریبم بدهد. وی ادامه می‌دهد: مهران مدت کوتاهی با من کار کرد و بعد رفت.**

**چند سال گذشت و دوباره نزد من آمد و مدعی شد که نمایشگاه ماشــین و هلدینگ دارد. حتی به من گفت یک گالری طلا در کشور ترکیه زده و در کار طلا و جواهرات است. شاکی می‌گوید: میلاد، همان کسی که به مهران دستبزد زده شده، دوست مهران است. او مدتی قبل به سراغ من آمد و گفت با مهران کار می‌کند. سفارش یک‌سری سنگ‌های گران‌قیمت مانند الماس، زمرد و یاقوت داد. آنها در چند نوبت از من ســنگ خریدند تا اینکه اعتماد مرا جلب کردند.**

**وی ادامه می‌دهد: من قبلا جواهرفروشی داشتم اما به تازگی آن را تعطیل کرده‌ام و در زمینه تجارت سنگ‌های قیمتی فعالیت می‌کنم و خودم کلکسیونر سنگ‌های قیمتی هستم. شاکی ادامه می‌دهد: مهران با خط رندی به من زنگ می‌زد و من در این مدت او را ندیدم. تصورم این بود خارج از کشــور است، نه در داخل زندان. او، همدســتش میلاد را پیش من می‌فرستاد و آخرین بار ســفارش زمردهایی به ارزش ۹۰میلیارد تومان داد. مهران می‌گفت زمردها را می‌خواهد در جواهرفروشی‌اش در ترکیه بفروشد و برایش مشتری دارد. او در تماس تلفنی مدعی شد که در ازای خرید سنگ‌ها، ۱۰خودروی مدل بالا مانند بنز، بی‌ام و، لندکروز و لکسوز از دبی وارد ایران کرده و همه ماشین‌ها را به نام من می‌زند. حتی چندین فقره چک هم به من دادند که بعدا مشخص شد همه چک‌ها بلامحل هستند.**

**من بی‌خبر از همه‌جا راهی دفتر کار آنها شدم و اما همدستان مهران در آنجا با غذای مســموم از من پذیرایی کردند. پس از خوردن غذا از هوش رفتم و وقتی چشم باز کردم متوجه شدم چمدانی که داخل آن زمردهای میلیاردی بود سرقت شده است و خبری از میلاد و دوســتش نیست. حالا که دستگیر شده‌اند متوجه شدم بخشی از ســنگ‌ها را به خارجی‌ها فروخته‌اند و علاوه بر سرقت سنگ‌های من، از همکارانم نیز سرقت کرده‌اند. شگردشان این بود که با آنها در مقابل پاساژها قرار می‌گذاشتند و به این بهانه که می‌خواهند سنگ را ارزیابی کنند، از فروشندگان سنگ‌ها را می‌گرفتند و از در دیگر پاساژ خارج می‌شدند و فرار می‌کردند. شاکی به یکی از متهمان اشاره می‌کند و می‌گوید: باورتان می‌شود مهران که روزی آبدارچی من بود، توانست از داخل زندان به راحتی سرم کلاه بگذارد؟**

# عملیات ضربتی در ۶ نقطه برای دستگیری قاتلان مأمور پلیس

انتظامی

قاچاقچیــان مســلح که در جریــان تعقیــب و گریز با پلیــس به‌ســوی مأموران تیراندازی کرده و یکی از آنها را به شــهادت رســانده بودنــد، در عملیاتــی همزمان که ۱۰ساعت به طول انجامید در ۶نقطه استان البرز دستگیر شــدند. به گزارش همشهری، شامگاه دوشــنبه، مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر شهرستان چهارباغ واقع در استان البرز پس از مشکوک شدن به سرنشینان یک دســتگاه خــودروی پــژو ۴۰۵ در یکی از خیابان‌ها به راننده آن دســتور ایست دادند. مأموران آنها را در حال فروش موادمخدر دیده بودند و شواهد نشان می‌داد که از قاچاقچیان سابقه‌دار موادمخدر در چهارباغ و کرج هستند. با وجود فرمــان پلیــس راننده خــودرو با بی‌توجهی تلاش کرد فرار کند. به همین دلیل به تعقیــب آنها پرداختنــد. مظنونان حاضر نبودند به هیچ قیمتی خود را تسلیم کنند و مأموران نیز به تعقیب آنها ادامه دادند تا اینکه سرانجام قاچاقچیان که پلیس را در یک قدمی خود می‌دیدند به‌ســوی مأموران تیراندازی کردنــد. در جریان این درگیری مســلحانه هرچند خودروی قاچاقچیان را هدف گلوله قرار دادند اما قاچاقچیان یکی از مأموران به نام استوار دوم محمد مهدی وکیلی را هدف گلوله قرار داده و به شهادت رساندند.

به‌دنبال این حادثه تلاش‌ها برای دستگیری قاچاقچیان مسلح آغاز شد و مأموران پلیس آگاهی عملیات گسترده‌ای را برای دستگیری عاملان این جنایت آغاز کردند. آنها ابتدا موفق شــدند ۲مظنون که از قاچاقچیان سابقه‌دار چهارباغ بودند را شناســایی کنند. مأموران ابتدا این دو مظنون را تحــت نظر گرفتند و از طریق آنها موفق به شناسایی ۳متهم دیگر کردند. هرچه بررســی‌های کارآگاهان ادامه پیدا می‌کرد آنها به اطلاعات بیشتری درباره قاچاقچیان مسلح دســت پیدا می‌کردند تا اینکه در ادامه ۶نقطه از کرج و چهارباغ را که مخفیگاه متهمان بود شناســایی کردند و در جریان عملیاتی همزمــان ۲نفر از متهمان را همراه با ۸نفر دیگر از همدستان‌شان دستگیر کنند. با وجود این عامل اصلی شلیک به مأمور پلیس همچنان متواری بود. بررسی‌ها حاکی از آن بود که متهمان پس از درگیری مسلحانه با مأموران در شرایطی که خودروی‌شان هدف گلوله قرار گرفته بود آن را در یک صافکاری پنهان کرده بودند.

با وجود دســتگیری متهمان اما دستگیری عامل شــهادت مأمور پلیس هــدف اصلی کارآگاهان پلیس آگاهی البــرز بود. آنها در ادامه به اطلاعاتی دســت یافتند که نشــان می‌داد متهم تحت تعقیب در یک باغ مخفی شــده اســت. به این ترتیب آنجا را محاصره کردند اما پیش از شروع عملیات متهم سوار بر یک خــودروی زانتیا از آنجا خارج شــده و تلاش کرد بگریزد. در این شــرایط باز هم عملیات تعقیب و گریز شــکل گرفت که این بار مأموران متهــم را که حاضر به تســلیم شدن نبود از ناحیه دســت و پا هدف گلوله قــرار داده و درحالی که او مجروح شــده بود دستگیرش کردند. سرهنگ محمد نادربیگی رئیس پلیس آگاهی اســتان البــرز با اعلام جزئیات این عملیات گفت: هم‌اکنون عامل اصلی شــهادت مأمور پلیس در بیمارستان بستری است و به محض ترخیص تحقیقات از وی آغاز خواهد شد.

در همین حال رئیس کل دادگستری استان البرز نیز از صدور دستور ویژه برای محاکمه سریع عاملان شهادت این مأمور پلیس خبر داد. حسین فاضلی هریکندی با عرض تسلیت به خانواده شــهید وکیلی و تمامی پرســنل خدوم نیروی انتظامی گفت: در این خصوص به دادســتان چهاربــاغ و معــاون پیگیری پرونده‌های خاص دادگســتری کل اســتان البرز برای تسریع در شناســایی، بازداشت و تعقیب قاتل یا قاتــلان با به کارگیری تمامی ظرفیت‌های قانونی دستورات مقتضی صادر شــد. وی با تأکید بر اینکه اشــد مجازات در انتظار عوامل این جنایت خواهد بود از دستور برای تسریع در تحقیقات مقدماتی و محاکمه خبــر داد و گفت: هرگونه تعــدی به جایگاه نیروی انتظامی و مأموران خدوم آن با سرعت و جدیت توسط دستگاه قضایی استان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

مسمومیت با گاز منوکسید کربن همچنان قربانی می‌گیرد

## قاتل خاموش ۴جان گرفت

مسمومیت با گاز منوکســیدکربن همچنان قربانیان زیــادی می‌گیــرد و در تازه‌ترین حــوادث در میانه، اصفهان و تنکابن ۴نفر بر اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. به گزارش همشهری، نخستین حادثه گازگرفتگی صبح دیروز (سه‌شــنبه) در شهرســتان میانه، واقع در اســتان آذربایجان شــرقی اتفاق افتاد و قربانیان آن زن و شــوهری جوان بودند. این حادثه ابتدا به مرکز فوریت‌های پلیسی اعلام شد و زمانی که مأموران به خانه این زن و شوهر رفتند با پیکر بی‌جان آنها مواجه شدند و شواهد نشــان می‌داد که ساعتی از جان‌باختن آنها می‌گذرد. محمدتقی سلطانی، فرمانده انتظامی شهرســتان میانه در این‌بــاره گفت: پیش از ظهر سه‌شنبه در پی تماس تلفنی شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و اعلام خبر گاز گرفتگی ۲ نفر از شــهروندان، مأموران انتظامی به همراه اورژانس به محل اعزام شــدند. او ادامه داد: با بررسی‌های به عمل آمده علت این حادثه، انتشــار گاز منو کسیدکربن از وسیله گرمایشی تشخیص داده شد. دومین حادثه در خانه‌ای واقع در منطقه گلیجان شهرستان تنکابن واقع در اســتان مازندران اتفاق افتاد و در جریان آن مردی میانسال بر اثر مسمومیت جان باخت. زکریا اشکپور، سخنگوی مرکز اورژانس مازندران در توضیح این حادثه گفت: پس از اعلام خبر بلافاصلــه تیم پایگاه اورژانس دوهزار به محل حادثه اعزام شد. در این حادثه ۲ مرد ۵۵ و ۳۱ساله دچار مسمومیت با گاز منوکسیدکربن شده بودند و امدادگران اورژانــس با ارزیابی وضعیت این دو نفر دریافتند که مرد ۵۵ساله فاقد علائم حیاتی است و مدتی از فوت او می‌گــذرد. او ادامه داد: همچنین مرد ۳۱ ساله نیز دچار عوارض ناشی از مسمومیت شده بود که به مرکز در مانی منتقل شد. حادثه مرگبار دیگر در اصفهان رخ داد و مردی ۶۶ساله بر اثر شدت مسمومیت با منوکســیدکربن جان خود را از دســت داد. عباس عابدی، سخنگوی مرکز اورژانس اســتان اصفهان در این‌باره گفت: این حادثه ساعت ۱۱:۴۳دقیقه به مرکز فرماندهی عملیات اورژانس استان اصفهان گزارش شد و همکارانم در کوتاه‌ترین زمان ممکن راهی محل حادثه در مسجدسید کوچه قاضی عسگر شدند. در این حادثه ۲فرد ۶۰و ۶۶ساله دچار مسمومیت شده بودند که فرد مسن‌تر جان خود را از دست داده و دومین نفر نیز برای مداوا به بیمارستان عیسی بن مریم منتقل شد.

## تیراندازی خونین در نیاوران

پلیس در تعقیب مردی اســت که در جریان تیراندازی به‌ســوی برادرش در نیاوران او را مجروح کرده و گریخته است. به گزارش همشهری، پیش از ظهر دیروز (سه‌شنبه) صدای شلیک گلوله در خیابان شهید باهنر (نیاوران) شنیده شد و عابران مردی را که بر اثر اصابت گلوله مجروح شده و روی زمین افتاده بود دیدند. همزمان عامل این تیراندازی که مرد جوانی بود بلافاصله از آنجا گریخت. هنوز ابعاد این حادثه مشخص نشــده و معلوم نبود که فرد مسلح چه‌کسی است و با چه انگیزه‌ای دست به این کار زده است. در این شرایط بود که مرکز اطلاع‌رســانی پلیس پایتخت در اطلاعیه‌ای جزئیات بیشتری از این حادثه را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است: «ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه خبر تیراندازی در خیابان شهید باهنر، حوالی میدان قدس به کلانتری ۱۲۲ گزارش شد در ادامه با حضور عوامل کلانتری در محل، مردی حدود ۶۰ ســاله که از ناحیه پشت ســر هدف اصابت گلوله قرار گرفته بود، مشاهده شد که مصدوم بلافاصله با هماهنگی اورژانس به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد. در ادامه با رصد دوربین‌های مداربسته محل حادثه و اعلام سرایدار ســاختمان مشخص شد ضارب، برادر مرد مجروح است که از پشت سر با سلاح کلت کمری به او شلیک کرده و متواری شده است. در حال حاضر وضعیت مصدوم وخیم است و شواهد موجود نشان می‌دهد که مشکلات خانوادگی علت وقوع این حادثه است.

جنایی

## انتقام مرگبار خواستگار کینه‌جو

«عاشــق دختری در افغانســتان بودم اما برادرش مانع ازدواج ما شــد. من هم از او کینه به دل گرفتم تا اینکه چند سال بعد اتفاقی با هم در ایران همکار شدیم و...» این بخشی از اعترافات خواستگار کینه‌جویی است که برای کار به ایران سفر کرد اما قاتل برادر دختری شد که زمانی عاشق او بود. به گزارش همشهری، شامگاه دوشنبه اول اسفند به قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مردی در یک درگیری به قتل رسیده است. محل حادثه انباری در بزرگراه لشــکری واقع در غرب تهران بود که تیم جنایی راهی آنجا شد. آنها به محض ورود با پیکر خونین جوان ۲۰ساله‌ای مواجه شدند که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. او کارگر انبار بود و عامل جنایت درحالی که از ناحیه دست زخمی شده بود روی زمین نشسته و گریه می‌کرد. قاتل و مقتول هر دو اهل کشور افغانستان بودند و در انبار روغن موتور کار می‌کردند. عامل جنایت دســتگیر شــد و در بازجویی‌ها گفت که به‌دلیل کینه قدیمی که از مقتول به دل داشته او را به قتل رســانده است. وی توضیح داد: من عاشق خواهر مقتول بودم و قبل از اینکه به ایران بیایم به همراه خانواده‌ام به خواستگاری رفتم اما مقتول با ازدواج من و خواهرش مخالفت کرد. او نظیر نام داشت و بی‌دلیل مانع ازدواج ما شد و بهانه‌های الکی آورد. از همان زمان از او کینه به دل گرفتم و می‌خواستم انتقام بگیرم تا اینکه مدتی بعد شنیدم او از افغانستان رفته است. وی ادامه داد: چند سال گذشت و من تصمیم گرفتم برای کار به ایران بیایم. به همین دلیل با پرداخت پول به قاچاقچیان خودم را به ایران و بعد به تهران رساندم. سپس از طریق یکی از دوستانم در انبار روغن موتور مشغول به کار شدم. اما به محض اینکه پا در انبار گذاشتم با نظیر، برادر دختر موردعلاقه‌ام مواجه شدم. او هم در همان انبار نگهبان بود. با خودم گفتم دنیا چقدر کوچک است اما دیگر از فکر انتقام گرفتن گذشته بودم. از بخت بدم در مدت کوتاهی که در آنجا کار می‌کردم با نظیر هم‌شــیفت بودم و از شــب تا صبح همدیگر را می‌دیدیم و مدام با هم درگیری داشتیم تا اینکه شــب حادثه، نظیر چراغ‌های انبار را خاموش کرد و با چاقو به سمتم هجوم آورد. می‌خواست مرا به قتل برساند، حتی ضرباتی به دستانم زد و زخمی شدم اما در یک لحظه توانستم چاقو را از دستش بقاپم و در تاریکی چند ضربه به او بزنم. ضربه‌ها باعث مرگ او شــد و نگهبان دیگر انبار نیز پس از شنیدن صدای درگیری ما به پلیس زنگ زد. او درها را قفل کرد و من دیگر فرصتی برای فرار پیدا نکردم.

متهم به قتل بازداشــت شــده و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

تسلیت

انا للّه و انا الیه راجعون

با کمال تاسف و تاثر درگذشت ناگهانی و جانگداز
استاد ارجمند زنده یاد جناب

**دکتر علی آقا رفیعیان**

را خدمت همسر بزرگوار و فداکارشان، فرزندان شادروان:
جناب دکتر اروین و همسر گرامی و جناب آقای آرش رفیعیان،
همکاران و وابستگان تسلیت گفته و به سوگ می نشینیم.

**دکتر نسرین‌منوچهری (وثیق)**
**مهندس امید منوچهری، ندا ترل( منوچهری )**
**دکتر جنیفر منوچهری( مک کوئین)**
**گِرگ ترل، لوکاس منوچهری، وستلی ترل**

یادبود

به نام خداوند جان و خرد

**هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق**
**ثبت است بر جریده عالم دوام ما**

بدینوسیله به اطلاع پزشکان، اقوام و دوستان محترم
می‌رساند به مناسبت چهلمین شب درگذشت

**بانوی محترمه خانم دکتر**

**شاهین رحمان زاده**

مجلس یادبودی بر سر مزار ایشان،
در بهشت زهــرا (س) قطعه یــک ردیف ۵۴۶
شمــاره ۱۹ در ســاعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه
۱۴۰۱/۱۲/۰۴ برگزار خواهد شد. بنا به درخواست
آن مرحومه هزینه‌های مربوطه صرف امور خیریه
(محک) و غیره خواهد گردید.
امید است قبول خداوند حق تعالی قرار بگیرد.

**خانواده‌های هوشمند، رحمان زاده**